

نویسنده: جونید اس احمد «Junaid S Ahmad» .
منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2022-04-02» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

تغیر رژیم در پاکستان؟ طرح واشنگتن برای معکوس کردن اتحاد عمران خان با چین و روسیه .

***Regime Change” in Pakistan? Washington’s Plan to Reverse
Imran Khan’s Alliance with China and Russia?***



اپوزیسیون پاکستان در تلاش است تا **عمران خان** نخست وزیر را با رای عدم اعتماد سرنگون کنند. **خان** می گوید که ایالات متحده نامه ای تهدیدآمیز برای او ارسال کرده است و او شواهدی مبنی بر کمک مالی خارجی برای عملیات تغییر رژیم دارد، البته با هدف معکوس کردن سیاست خارجی مستقل او - مانند اتحادش با چین و روسیه و حمایت از داعیه فلسطین.

Pakistan’s opposition is trying to overthrow Prime Minister Imran Khan with a no-confidence motion. Khan says the US sent him a threatening letter and he has proof of foreign funding for a regime-change operation, aimed at reversing his independent foreign policy – like his alliance with China and Russia and support for Palestine

در حالی که توجه جهان به طور قابل درک بر بحران اوکراین متمرکز است، تحولات به همان اندازه در جاهای دیگر در حال وقوع است. که شاید مهم ترین و کمتر گزارش شده - عملیات تغییر رژیم باشد که در پاکستان در حال انجام است .

در ماه مارس سال جاری، قانندگان مخالف در پارلمان پاکستان یک طرح «عدم اعتماد» را با هدف سرنگونی نخست وزیر **عمران خان** آغاز کردند.

خان که در سال 2018 به صورت دموکراتیک انتخاب شد، هشدار داده است که "تلاش هایی برای سرنگونی دولت با کمک بودجه خارجی در کشور ما انجام می شود".

«از مردم ما استفاده می شود. اکثراً ناآگاهانه، اما برخی آگاهانه از این پول علیه ما استفاده می کنند.» **خان** این موضوع را در یک تجمع در 27 مارس گفت:

خان استدلال کرد که این منابع خارجی به دنبال معکوس کردن سیاست خارجی مستقل او هستند. او سلف خود **نوالفقار علی بوتو**، نخست وزیر پاکستان را که در سال 1977 در کودتای مورد حمایت آمریکا سرنگون شد و سپس در پی یک محاکمه نمایشی اعدام شد، به یاد آورد.

خان اعلام کرد که **بوتو** «زمانی که تلاش کرد سیاست خارجی آزادانه ای را به کشور وارد کند، مجازات شد».

خان به طور خاص ایالات متحده را به دلیل دخالت در تلاش برای برکناری او از قدرت متما یز کرد. او گفت که نامه ای از واشنگتن دریافت کرده است که او را به دلیل امتناع از ایجاد پایگاه های نظامی آمریکا در پاکستان تهدید کرده است.

وی هشدار داد که اپوزیسیون با ایالات متحده و سایر کشورهای خارجی در طرح عدم اعتماد خود علیه وی همکاری می کند.

این هشدارها درست بیش از یک ماه پس از اینکه **خان** علناً از دولت ایالات متحده به دلیل استفاده بدبینانه از پاکستان برای پیشبرد منافع واشنگتن انتقاد کرد. او همچنین همزمان **چین** را به دلیل اینکه همیشه به عنوان "دوست" اسلام آباد عمل می کند تمجید کرد.

«**خان** شکایت کرد: «هر زمان که ایالات متحده به ما نیاز داشت، آنها بامان روابط برقرار کردند آنطوریکه پاکستان به یک کشور در خط مقدم [در برابر اتحاد جماهیر شوروی] تبدیل شد و سپس آنها ما را رها کردند و ما را تحریم کردند»

او در مقابل گفت: «چین دوستی است که همیشه در کنار پاکستان بوده است»

این ایده که حتی می توان طرح تغییر رژیم را در کشوری با بیش از 220 میلیون جمعیت مجهز به سلاح هسته ای تصور کرد، شاید تکان دهنده و مضحک به نظر برسد. در ظاهر، با در نظر گرفتن اینکه اسلام آباد یک قدرت بزرگ است، مسلماً قدرتمندترین قدرت در جهان با اکثریت مسلمان، ناباورانه است.

با این وجود، دقیقاً همین ویژگی‌ها است که پاکستان را از نظر ژئوپلیتیکی بسیار مهم می‌کند.

در ذیل تحلیلی از دلایل اصلی این است که چرا نخبگان متخاصم خارجی تصمیم گرفته اند که نخست وزیر **عمران خان** باید برود:

1- عمران خان با سیاست خارجی آمریکا مخالف است

عمران خان همیشه یک "متعصب" خوانده می‌شد - یعنی بیش از حد منتقد سیاست خارجی ایالات متحده بود.

خان شد پدیده‌ای با اصطلاح «جنگ علیه تروریسم» و واشنگتن و به ویژه جنگ در افغانستان مخالفت کرد و استدلال کرد که راه‌حل‌های نظامی هم غیراخلاقی و هم غیرمولد هستند به همین دلیل او را مدت‌ها به صورت تحقیرآمیز «طالبان خان» می‌خواندند. چیزی که خود واشنگتن را بیشتر کبود کرد این بود که معلوم شد **خان** درست می‌گوید. شکست آمریکا در افغانستان که با سقوط کابل به دست طالبان پایان یافت، توسط ایالات متحده به عنوان یک پیروزی برای پاکستان و به ویژه برای **خان** تلقی شد. ایالات متحده حاضر نیست **خان** را به خاطر تحقیر خود در افغانستان ببخشد، حتی اگر او با آن کار چندانی نداشت.

2- صدای ضد استعماری خان در صحنه بین‌المللی

سخنرانی **عمران خان** در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر 2019 به عنوان بیش از حد متهورانه محکوم شد. یک رهبر پاکستانی که به شدت در مورد مسائل بی‌عدالتی جهانی صحبت می‌کرد، نخبگان غربی را به این احساس رساند که او برای کفش‌هایش خیلی بزرگ شده است.

حداقل سه مورد از نکاتی که وی در سخنان خود بر آن تأکید کرد، برتری‌طلبان غربی را به شیوه نادرستی مالش داد.

نخست، **خان** کشورهای قدرتمند غربی را محکوم کرد که نخبگان جنوب جهانی را قادر می‌سازند تا جوامع خود را غارت کنند.

دوم، او اسلام‌هراسی را نه یک امر حاشیه‌ای، بلکه به عنوان پدیده‌ای خطرناک که نظم جهانی ما را ساختار می‌دهد - و جهان باید آن را جدی بگیرد، برجسته کرد. در همین راستا، **خان** به شدت از توصیف موزیا نه برخی مسلمانان به عنوان «میان‌رو» و برخی دیگر به عنوان «رادیکال» انتقاد کرد. این تمایزات بدخواهانه برای فرهنگ و ارزش‌های سیاسی «جنگ علیه تروریسم» ضروری بوده است.

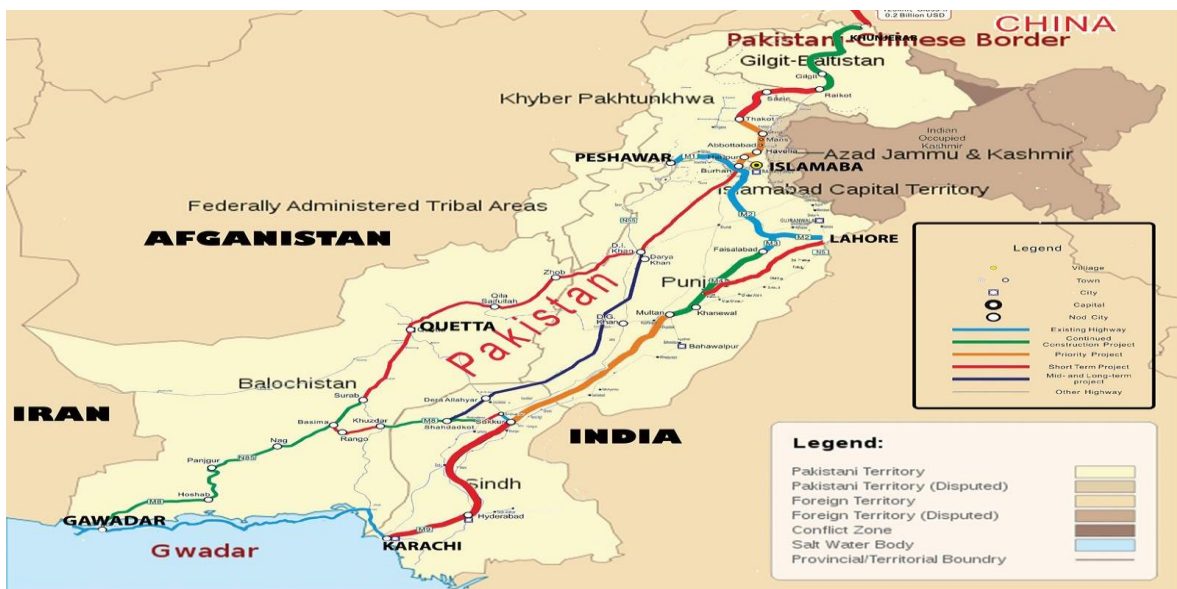
ثالثاً **خان** با شور و اشتیاق در مورد مبارزه کشمیری‌ها علیه اشغالگری هند صحبت کرد، به گونه‌ای که تعداد کمی از رهبران پاکستانی (یا هیچ‌کدام از رهبران دیگر) چنین کرده‌اند به نظر می‌رسید که اجرای بلاغی او صفحه‌ای از کتاب بازی ضد استعماری دهه 1960 بود.

3- خان دوستی پاکستان با چین را تعمیق بخشید



دیدار شی جین پینگ با عمران خان نخست وزیر پاکستان (منبع: وزارت امور خارجه جمهوری خلق چین)

شاید مهمترین نگرانی برای نخبگان غربی این باشد که چگونه **عمران خان** روابط چند دهه ای پاکستان با **چین** را تقویت کرده است . اسلام آباد و پکن شرکای کلیدی در پروژه های زیربنایی با هدف اتصال منطقه هستند . آنها در کریدور اقتصادی چین پاکستان (CPEC) و ابتکار کمربند و جاده با یکدیگر همکاری می کنند . انتخابات پاکستان و افزایش آگاهی سیاسی توسط مردم پاکستان . پاکستان همچنین عضو سازمان همکاری شانگهای (SCO) است .



خان در المپیک پکن در فوریه امسال مورد استقبال بسیار گرم قرار گرفت . این تایید واضحی بود که اسلام آباد متحد نزدیک پکن باقی می ماند . علاوه بر این، رئیس جمهور شی جین پینگ رهبری چین، **خان** را یک رهبر پاکستانی

می دانند که واقعاً علاقه مند به همکاری برای توسعه پاکستان است، فارغ از فساد و بی کفایتی عظیمی که مشخصه سایر نیروهای سیاسی در این کشور است .
چه این درست باشد یا نه، **پکن** آن را باور دارد و **شی** رابطه بسیار نزدیکی با **خان** شخصاً برقرار کرده است .

علاوه بر این، این واقعیت که **وانگ یی**، وزیر امور خارجه **چین** در ماه مارس امسال در نشست سران سازمان همکاری اسلامی (OIC) در اسلام آباد شرکت کرد، گویای استقبال **چین** از رهبری پاکستان در جهان اسلام بود .

4- **خان روابط پاکستان با روسیه را بهبود بخشید**

به نظر می رسد پیشرفت اخیر در روابط بین پاکستان و روسیه، نی بوده است که در نهایت کمر شتر را شکست .

اسلام آباد هرگز رابطه نزدیکی با مسکو نداشت در مقابل، پاکستان و اتحاد جماهیر شوروی در طول جنگ سرد اول با هم مخالف بودند و سطحی از تلخی و فاصله را حفظ کردند . مسکو همیشه متحد قوی دهلی نو به حساب می آمد .



اما در حاشیه المپیک پکن، **پوتین** رئیس جمهور روسیه از نخست وزیر **خان** دعوت کرد . او با مشاهده فرصتی برای حداقل خنثی کردن یک نیروگاه منطقه ای که از لحاظ تاریخی دشمن اسلام آباد بوده است، با این دیدار موافقت کرد .
با این حال، به محض اینکه **خان** در مسکو فرود آمد، **پوتین** حمله نظامی خود را علیه اوکراین آغاز کرد .

خان به خاطر محکوم نکردن روسیه در آن زمان توسط پایتخت های غربی مورد سرزنش قرار گرفت و این امر پس از بازگشت به خانه ادامه یافت .

خان نامه ای شدیداً از سفرای اروپایی دریافت کرد که در آن خواستار محکومیت مسکو شده بودند . پاسخ نخست وزیر، "ما برده شما نیستیم" نه تنها در پاکستان، بلکه در بسیاری از نقاط جهان اسلام و جنوب جهانی بسیار محبوب شد .

خان خاطر نشان کرد که درخواست هایش از همان کشورهای غربی که رفتار هند در کشمیر یا جنایات اسرائیل در فلسطین را محکوم کنند، به طور معمول بر سر زبانها افتاده است . از آن زمان، **خان** همواره خواستار پایان جنگ در اوکراین و راه حل دیپلماتیک شده است .

در اجلاس سران OIC که او میزبانی کرد، خان به طور خاص از چین خواست تا به

میانجیگری بین روسیه و اوکراین کمک کند .

اما به نظر می رسد نزدیکی با روسیه جایی است که **خان** از رویکون عبور کرد به گفته واشنگتن، همانطور که خطوط نبرد ژئوپلیتیک جهانی به شدت ترسیم می شود، به نظر می رسد پاکستان **خان** به طور فزاینده ای در "سمت اشتباه" قرار می گیرد.

5- رهبری خان در جهان اسلام

تصمیم میزبانی چهل و هشتمین نشست سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) در اسلام آباد در ماه مارس امسال، نقش **عمران خان** را به عنوان یکی از محبوب ترین رهبران آسیای مسلمان امروز متبلور کرد .

به نظر می رسد که **خان** تلاش می کند عملکرد و جایگاه نخست وزیر پاکستان در دهه 1970، ذوالفقار علی بوتو، که به طور مشابه میزبان نشست OIC در لاهور بود، با هیاهو و هدف بزرگ تقلید کند .

هر احساسی که فرد نسبت به اسلام و آسیا ست **خان** داشته باشد، شکی نیست که نیروهای قدرتمند خارجی از بازیگران مسلمانی که نمی توانند کنترلشان کنند متنفرند . واشنگتن به همکاری نزدیک با نیروهای انحصارگرایی وحشی مانند القاعده در سوریه و آل سعود ادامه داده است . همچنین از 11 سپتامبر طبقه ای از مسلمانان «میان رو» را پرورش داده است که اسلام دوست دار امپراتوری را صادقانه ارائه کرده اند . یک عامل وجود دارد که همه این بازیگران مسلمان متفاوت را متحد می کند: نوکری آنها به واشنگتن .

متأسفانه، **خان** با این دسته بندی های امپراتوری جور در نمی آید - آن قدر که نخبگان لیبرال غربی و پاکستانی می خواهند او را یک «بنیادگرا» معرفی کنند . استناد **خان** به اخلاق تمدنی اسلامی که عدالت اجتماعی را متمرکز می کند، هر چند به طور نامنسجمی بیان شده باشد و به ندرت اجرا شود، سیاست مقابله با برتری غرب را نیز پیش برد .

6- چالش تدریجی پاکستان در برابر هژمونی تحت رهبری عربستان در جهان اسلام

عمران خان گرایش تدریجی به سمت کشورهای را نشان داده است که در مجموع وزنه تعادلی برای هژمونی تحت رهبری عربستان در سراسر جهان اسلام هستند . نشست 2019 کوالالمپور که توسط نخست وزیر مالزی **ماهاتیر محمد** برگزار شد، نقطه عطفی در این پروژه بود . کشورهایمانند ترکیه، ایران و قطر شرکت کردند . همه می دانستند که این تلاشی مهم برای به چالش کشیدن سلطه و نفوذ سنتی عربستان بود . **ماهاتیر** که به **خان** علاقه زیادی دارد، از پاکستان دعوت کرد و شرکت کنندگان متوجه شدند که حضور نخست وزیر پاکستان چقدر اهمیت دارد .

۱ ما در آخرین لحظه اسلام آباد عقب نشینی کرد .

چند روز قبل از اجلاس سران کوالامپور، **خان** به **ریاض** احضار شد و در آنجا به او هشدار داده شد: شما نباید به **مالزی** بروید و اگر بروید، آل سعود اخراج کارگران پاکستانی را آغاز خواهد کرد، تمام نفت را متوقف کنید. یارانه ها و تدارکات، ابطال همه وام ها و غیره **خان** تحقیر شد، اما مجبور به رعایت آن شد. او به کوالامپور نرفت .

7. - خان را نمی توان به سادگی توسط ارتش کنترل کرد

عمران خان به برکت ارتش پاکستان به قدرت رسید. درک متعارف این بود که او و ارتش رابطه نزدیکی دارند و در یک صفحه قرار دارند - تا جایی که **خان** برای مدتی به عنوان دست نشانده تشکیلات نظامی به تصویر کشیده شد. معلوم شده که درست نیست . ارتش همیشه کنترل امنیت ملی و سیاست خارجی پاکستان را در دست داشته است. تا آنجا که هم **خان** و هم ژنرال ها به مسائل یکسان نگاه می کردند، همه چیز خوب بود . با این حال، خان معلوم شد که هیچ فشاری نیست. او قاطعانه بر حق خود برای مشارکت در هر موضوع مهم امنیت ملی تاکید کرده است - حتی که اکثر دولت های غیرنظامی قبلی به راحتی از آن چشم پوشی کردند . وقتی رسانه های پاکستانی اکنون بی وقفه تکرار می کنند که «**خان** از نظر ارتش بی اعتنا شده است»، به سادگی به این معناست که گریه در نهایت از کیف بیرون آمده است: **خان** از مردان خاکی پوش نیست .

برای واشنگتن، این یک مشکل بزرگ است. داشتن ارتشی برای "تصحیح همه چیز" زمانی که رهبران جنوب جهانی نافرمانی می شوند، رویه عملیاتی استاندارد آمریکا بوده است .

8. - حمایت بی چون و چرای خان از آزادی فلسطین

یکی از مهم ترین دلایلی که نیروهای امپریالیستی خواستار برکناری عمران خان هستند، آشکار است: حمایت مداوم و بی چون و چرا او از مبارزات فلسطین . زمانی که یک کارزار شدید فشار و تهدید در سال های 2020 و 2021 بر سر راه اسلام آباد قرار گرفت، موضع او بسیار معروف و «جنجال برانگیز» شد . پس از اینکه چندین پادشاهی خلیج فارس روابط خود را با اسرائیل آپارتاید عادی کردند، و نهایتاً میزان آرامش آنها به صورت علنی به نمایش گذاشته شد، آنچه در پی داشت، چرخش دردناک سایر کشورهای مسلمان برای پیروی از آن بود . برای تل آویو «Talavive»، ریاض، ابوظبی و البته واشنگتن، اسلام آباد جایزه واقعی بود برای ماه ها، پاکستانی ها هجوم جنگ اطلاعاتی را تجربه کردند تا افکار عمومی را نسبت به ایده به رسمیت شناختن و پذیرش آپارتاید اسرائیل متمایل کند .

خیلی سریع، آشکار شد که نه تنها احزاب سیاسی اصلی ملی، بلکه بخش های مهمی از فرماندهی عالی نظامی همگی متمایل به سرگرم کردن ایده عادی سازی را نشان دادند . انگیزه نخبگان حاکم پاکستان واضح بود: آنها معتقد بودند که چنین اقدامی آنها را به لطف واشنگتن خواهد برد و خزانه خصوصی آنها را قادر می سازد به طور تصاعدی

رشد کند اما نخست وزیر خان تسلیم نشد .

قبل از هیاهوی عادی سازی، در می 2020، خان صریحاً جنگ اسرائیل علیه غزه را محکوم کرد. او حرفش را کوتاه نکرد: «ما با فلسطین هستیم. ما با غزه هستیم.»

« در اجلاس سران OIC در ماه مارس، خان، حتی در خطر شرمساری برخی از مهمانان خود (به ویژه از کشورهای حاشیه خلیج فارس)، پیوسته در مورد شکست کشورهای مسلمان در توقف وحشیگری اسرائیل علیه فلسطینیان صحبت کرد .

شکی نیست که اگر خان از دست زدن به مسئله فلسطین پرهیز می کرد، این همه گرفتاری نداشت.

انتقاد از عمران خان

در حالی که دلایل ذکر شده در بالا توضیح می دهد که چرا نخبگان متخاصم جهانی خواهان تغییر رژیم در اسلام آباد هستند، برای شفافیت - به ویژه برای منتقدان صادق لیبرال- مترقی **عمران خان** - ارزش انتقاد را نیز دارد. کافی است بگوییم، اینها قطعاً دلایلی برای انگیزه این جنگ ترکیبی در پاکستان نیستند :

1) دیدگاه های پدرسالارانه خان

2) حکومت ضعیف خان

3) سوء مدیریت خان در اقتصاد

این که آیا هر یک از موارد بالا درست است یا نه - (و قطعاً ممکن است درست باشد) بدیهی است که این مسائل هرگز انگیزه واقعی نخبگان جهانی در مداخلات امپریالیستی آنها نبوده است .

از زمانی که **خان** برای اولین بار قدرت را به دست گرفت، ما در معرض یک روایت وهم آور آشنا بوده ایم. در جنگ کثیف باهدف تغییر رژیم در سوریه، سالها همین تعبیر را شنیدیم: رژیم اسد هر روز در حال سقوط است .

ما در سه سال ونیم گذشته در پاکستان نیز با همین شعار تغذیه شده ایم: «رژیم» **عمران خان** در آستانه سقوط است .

و از آنجایی که خان دیدگاه های خود را «تعدیل» نکرده است تا برای منافع پایتخت های غربی خوشایندتر باشد، جنگ هیبریدی کم شدت پایتخت های غربی به شدت افزایش یافته است .

دروغ های استاندارد باز یافت شده علیه همه اهداف تغییر رژیم، از جمله کشورهای

آمریکای لاتین مانند ونزوئلا، اکنون در روایت پاکستان غالب است .

. ادعاهایی مبنی بر اینکه خان در حکومت «به طور فزاینده اقتدارگرا» مجرم است، که مشخصه آن سرکوب شدید مخالفان و رسانه ها است، با فیلمنامه ای بسیار ضعیف مطابقت دارد

با این حال اتفاقاً اکثریت قریب به اتفاق رسانه های مکتوب و الکترونیکی در پاکستان

بی وقفه ضد خان بوده اند .

جنگ **هیبریدی** که علیه پاکستان به راه انداخته می شود - از جمله جنگ اطلاعاتی، روانی ها، و مهندسی چیزی شبیه «انقلاب رنگی» - به هیچ وجه به این معنا نیست که مخالفت واقعی با دولت فعلی وجود ندارد

اما در پاکستان شاهد بودیم که یک کمپین هماهنگ در ماه مارس به وجود آمد که منجر به طرح «عدم اعتماد» مخالفان در پارلمان شد .

تقریباً تمام رسانه های پاکستان، بخش های مسلط جامعه مدنی نخبه، و رهبران اپوزیسیون و خال هایشان در حزب سیاسی **خان**، تحریک انصاف پاکستان (PTI)، ناگهان در یک حمله انفجاری تمام عیار علیه خان متحد شدند .

این که این درست در لحظه ای رخ داد که محکومیت های غرب از نخست وزیر به اوج خود رسیده بود، تصادفی به نظر نمی رسد .

همانطور که شاهد دگرگونی های ژئوپلیتیکی با اهمیت جهانی-تاریخی هستیم، خطوط گسل بین المللی در این دوره بین المللی آشکارتر می شوند .

نزدیکی فزاینده پاکستان به چین و روسیه و تعهد این کشور به پروژه ادغام اوراسیا، خشم نخبگان حاکم آمریکایی را فعال کرده است .

در این شرایط به خصوص متزلزل، واشنگتن اسلام آباد را اگر نگوییم، سرمایه اصلی مسلمانان می داند که در صورت ظهور یک رهبر مستقل از نوع خان، باید تحت کنترل و انضباط شدید قرار گیرد .

ناآرامی هایی که پاکستان را درگیر کرده است، نتیجه یک استراتژی هماهنگ شده برای تنبیه و انضباط خان است .

درخواست مخالفان برای رای عدم اعتماد در شورای ملی نشان دهنده ادغام دسیسه های داخلی و خارجی است .

این رای انعکاسی از توازن قوا خواهد بود که یا به پیروزی واشنگتن و کوئینسلینگ های سیاسی آن منجر می شود، یا حداقل پاکستان شبه حاکمیتی را که خان هنوز در قدرت است، حفظ خواهد کرد . شیطنت های سیاستمداران و مانور آنها برای قرار گرفتن در "سمت راست" بادهای سیاسی، بازی نخبگان فاسد و تشنه قدرت است .

هیچ یک از اینها بطنی به نارضایتی واقعی پاکستانی ها ندارد و واحد زیادی یک انحراف از بازی واقعی قدرت جهانی در داخل کشور است .

نخبگان متخاصم جهانی به شدت در تلاش هستند تا نسخه جدید پاکستانی **خوان گوایدورا** بیابند (جانب غربی که به طور یکجانبه توسط واشنگتن برای جایگزینی نیکلاس مادورو به عنوان "رئیس جمهور موقت" ونزوئلا انتخاب شد) .

چه **خان** زنده بماند یا نه، هر کسی که حتی به طور مبهم با عملیات تغییر رژیم جهانی آشنا باشد، دقیقاً خواهد دید که چه اتفاقی در حال وقوع است

*** *

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

جنید اس. احمد دین، حقوق و سیاست تدریس می کند و مدیر مرکز مطالعات اسلام و استعمار است. او یکی از همکاران دائمی تحقیقات جهانی است.

----- **با تقدیم احترامات** «2022-04-14»